

روایتی کوتاه از سرنوشت بزرگ‌ترین قرآن خطی جهان که دستخط یک پادشاه تیموری است

«قرآن بایسنقری»، فتح الفتوح نادری



نمایش قرآن «بایسنقری» در موزه قدیم آستان قدس در دوره پهلوی اول

فرخدا وقتی موزه قرآن حرم مطهررضوی در بهمن سال ۱۳۶۴خورشیدی به عنوان اولین گنجینه تخصصی نمایش نسخه‌های خطی قرآن، مرقعات و آثار هنری هنرمندان آستان قدس رضوی در موزه آستان قدس رضوی افتتاح شد، آن قدر دستش پر بود که همان ابتدا بیش از هشتاد نسخه قرآن نفیس، جلد‌های لاک‌ی و مرقعات را پیش چشم تماشا گذاشت. بعدها نمونه‌های دیگری از گنجینه آثار خطی و قرآنی وقف شده در حرم مطهررضوی به نمایش درآمد که یکی از آن‌ها قرآن معروف به «بایسنقری» است؛ قرآنی که بایسنقر میرزا، فرزند شاه‌رخ و نوه تیمور گورکانی، نوشته است و کارشناسان آن را از عجایب خط در جهان می‌دانند. سطرهای پیش‌رو تقبی است بر این قرآن و سرگذشت پرماجرای آن از روزی که به غارت می‌رود تا روزی که به موزه آستان قدس رضوی راه پیدا می‌کند.



تعداد ۵۷ ورق آن در گنجینه خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی و چهار ورق هم در موزه ملک نگهداری می‌شود.

- «قرآن بایسنقر» در دوره تیموری کجا بود و چگونه موزه رسید؟

می‌گویند بایسنقرمیرزا این مصحف شریف را پس از

- درباره «بایسنقر میرزا» و روزگاراو

پیش از آنکه به قرآن بایسنقر بپردازیم، بگذارید اول کمی از خود او بگوییم. اسم کاملش «میرزا غیاث‌الدین بن شاه‌رخ بن امیر تیمور» است، پسر گوهرشاد خاتون و شاه‌رخ شاه تیموری که بین سال‌های ۸۰۲ تا ۸۳۷ قمری زندگی می‌کرده است. تاریخ تولد و وفاتش نشان از جوان مرگی او دارد اما هنردوستی‌اش در همین مدت کوتاه سی‌وپنج‌ساله سبب می‌شود یادگارهایی از او باقی بماند.

تعمق در تاریخ نشان می‌دهد که دوره تیموری، دوره شکوفایی هنر است و بایسنقرمیرزا خود دستی بر این آتش داشت. او خطاط بود و نقش زدن یا دوات و جوهر را خوب می‌دانست؛ برای همین هم دست به قلم برد و قرآنی نوشت که اکنون بزرگ‌ترین قرآن خطی جهان است. سوای این، یک کتیبه کاشی‌کاری نیز به خط او در ایوان مسجد جامع گوهرشاد به یادگار مانده است که نشان از استادی وی در این هنر دارد. این کتیبه نیز بزرگ‌ترین کتیبه کاشی جهان است که اکنون در دو سمت ورودی ایوان مسجد گوهرشاد نگهداری می‌شود.

- «بایسنقر تیموری» شاگرد چه کسی بود؟

روایت است که بایسنقر در نگارش خطوط شش‌گانه تبحر داشته وسال‌ها شاگرد «شمس‌الدین محمدبن حسام هروی» معروف به «شمس بایسنقری» بوده است. این شاهزاده هنردوست در هرات که پایتخت حکومت تیموری بوده است، کتابخانه‌ای تأسیس می‌کند که در آن چهل تن از بهترین استادان خوش‌نویس، تذهیب‌کار، صورتگر، صحاف و نقاش به کار کتاب‌سازی و هنرهای وابسته به آن مشغول می‌شوند و سرپرستی کتابخانه نیز به عهده «استاد فریدالدین جعفر تبریزی (جعفر بایسنقری)» بوده است.

- «قرآن بایسنقری» و ویژگی‌های منحصر به فردش گفتیم که قرآن نوشته شده به دست بایسنقر، بزرگ‌ترین قرآن خطی جهان است. این قرآن به خط محقق جلی و روی کاغذ‌های خان‌بالی که ایجاد ۱۸۰ در ۱۰۵ سانتیمتر دارند، خطاطی شده است. در تاریخ آمده که این قرآن کامل بوده ولی اکنون در دنیا حدود هفتاد برگ از آن موجود است که از این

۱۵۹۳۹

نسخه خطی قرآن

۲۰۰۰۰

نسخه

شمار کل قرآن‌های خطی و جزوات قرآنی در موزه قرآن حرم مطهر رضوی

نیمه دوم

قرن اول قمری

قدمت قدیمی‌ترین قرآن خطی موجود در گنجینه حرم مطهر که به خط کوفی نگارش شده است

۱۰۰۰

سال

هم‌اینک این تعداد نسخه قرآن خطی و جزوه قرآنی کتابت‌شده از قرن یکم تا قرن ۱۳ قمری در گنجینه مخطوطات آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود

چهارشنبه‌های مطلا



نمایش قرآن «بایسنقری» در موزه قدیم آستان قدس در دوره پهلوی اول

داده می‌شده اما با مرگ شاه جهان‌گشای افشاری، این قرآن به دست تعدادی از سرداران و سپاهیان عالی‌رتبه مثل یک غنیمت جنگی تقسیم و ورق‌ورق می‌شود و به سویی برده می‌شود. البته در برخی از مکتوبات از جمله سفرنامه «جیمزیلی فریز» سیاح انگلیسی هم آمده که این قرآن در همان زمان فتح سمرقند تکه‌تکه می‌شود تا حمل آن راحت‌تر باشد. فریز نوشته است: «از آنجا (گور امیر تیمور) توسط سربازان محمد خان، جد ایلخانی حاضر که به همراه نادرشاه در تعرض به ترکستان همراهش بود، این قرآن مورد بی‌حرمتی قرار گرفته است. سربازان نادرشاه این قرآن را تکه‌تکه و هر یک سهمی از آن انتخاب کردند تا حملش آسان باشد و آن را به عنوان نشانه پیروزی به شهرستان‌ها بردند. میرگناه خان، پسر ایلخان قوچان، تقریباً شصت برگ از این اوراق را گرفته و در امامزاده حفظ کرده است. آن‌ها را در قفسه‌ای گذاشته بودند که کاملاً مورد غفلت واقع شده و گرد و خاک آن‌ها را پوشانده است. این اوراق را به کمک کاغذ سیم‌دار ضخیم دسته‌بندی کرده بودند. بدیهی است که برای منظور خاصی این کار انجام شده بود، وقتی آن‌ها را بازکردند، ۱۰ تا دوازده فوت طول و هفت تا هشت فوت عرض داشت.»

جالب است بدانید سال‌ها بعد، ناصرالدین شاه قاجار در نخستین سفرش به خراسان برگ‌هایی از این قرآن را در قوچان می‌بیند و دستور می‌دهد دو برگ آن را به کاخ گلستان ببرند و مرمت کنند. سلطان صاحبقران می‌نویسد: «در سمرقبره امام‌زاده ابراهیم قوچان چند صفحه قرآن خط میرزا بایسنقر دیده شد که زمانی که نادر شاه به بخارا رفته، گویا از سمرقند از سر قبر امیر تیمور آورده و در این مکان قرار داده است. خط درشت بسیار خوبی نوشته است. دو صفحه آن را فرمودیم آورند که به تهران آورده، مرمت کرده و در موزه دولتی بگذارند. صفحه‌ها خیلی بزرگ است. اما پاره شده، هر صفحه یک ورق کاغذ خان‌بالغ است.» بعدها و در سال ۱۳۰۲ خورشیدی این اوراق مبارک، از امام‌زاده ابراهیم شهر قوچان (شهر کهنه) به آستان قدس حضرت رضا^(ع) منتقل می‌شوند. ناگفته نماند که برگ‌هایی از صفحات قرآن بایسنقری همچنان در موزه‌ها و گنجینه‌های نفایس در سراسر جهان پراکنده است.

قدمت قدیمی‌ترین قرآن تاریخ دار موجود در گنجینه قرآن حرم مطهر رضوی است

تاریخ وقف قرآن «کشواد بن املاس» که قدیمی‌ترین جزوه قرآنی در گنجینه مخطوطات آستان قدس رضوی است

قدمت دومین قرآن قدیمی حرم مطهر رضوی که توسط «ابوالقاسم منصور بن محمد بن کثیر» وزیر و صاحب دیوان مسعود و محمود غزنوی، وقف شده است.

از جمله آثار مهم گنجینه قرآن حرم مطهر مجموعه نفیسی از قرآن‌های خط کوفی هستند که بر پوست نوشته شده و به ائمه اطهار^(ع) منسوب‌اند. این قرآن‌ها را که قدمتشان هزار سال است، شاه عباس صفوی وقف حرم مطهر کرده و وقف نامه آن‌ها را شیخ بهایی نوشته است.

دیگر قرآن‌های ارزشمند موزه حرم مطهر رضوی، برگ‌ی از قرآن مربوط به قرن چهارم هجری، مشهور به خط پیرآموز، یک جزء از قرآن مربوط به قرن پنجم قمری که واقف و کاتب آن «ابوالبرکات» در رمضان ۴۲۱ قمری است، دو جزء از قرآن نفیس به خط و تذهیب «عثمان بن حسین وراق» در تاریخ ۴۶۶ قمری، نسخه‌های قرآن مربوط به قرن پنجم و ششم هجری همراه با ترجمه فارسی کهن، دو نسخه قرآن به خط یاقوت «مستعصمی»، برجسته‌ترین خطاط قرن هفتم هجری، نیز نمونه‌هایی از اشیای موجود در این بخش از گنجینه حرم رضوی است. علاوه بر این‌ها، دو نسخه قرآن به خط «عبدالقادر حسینی شیرازی»، از خوش‌نویسان قرن دهم هجری، که یکی از آن‌ها توسط «سلطان ابراهیم قطب‌شاه»، پادشاه کلکنده در دکن هندوستان، به تاریخ ربیع‌الاول سال ۹۷۰ هجری وقف شده، در این بخش از موزه به نمایش گذاشته شده است. همچنین قرآن معروف به بابری، مربوط به نیمه دوم قرن دهم قمری، از دیگر آثار این موزه محسوب می‌شود؛ این قرآن به خط اختراعی «ظهیرالدین محمد بابو»، بنیان‌گذار سلسله مغولی در هندوستان، نگاشته و در سال ۱۱۱۹ قمری توسط «شاه سلطان حسین صفوی» وقف آستان قدس رضوی شد.

تاریخ نگار

تکاهی به اهداف نخستین سفر شاه‌عباس صفوی که پیاده به مشهد آمد

زیارت سیاسی



گروه تاریخ و هویت ا حرم مطهر امام رضا^(ع) از قرون اولیه پس از شهادت ایشان، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مقاصد زیارتی شیعیان شناخته می‌شود. اگرچه نمی‌توان به طور قطعی نخستین زائران مشهد را معرفی کرد، اما شاه عباس صفوی و کاروان او به‌عنوان نخستین زائران پیاده ثبت‌شده در تاریخ شناخته می‌شوند، مسیر

اصفهان تا مشهد از راه طیس حدود ۹۹ فرسنگ (حدود پانصد کیلومتر) است که شاه عباس و همراهانش از پانزدهم جمادی‌الاول تا ۱۴ جمادی‌الثانی سال ۱۰۱۰ قمری (اواخر آبان تا اواخر آذر ۸۹۰ خورشیدی) آن را پیاده طی می‌کنند تا به‌عنوان نخستین زائران پیاده ثبت شوند.

این سفر اما رویدادی صرفاً مذهبی و شخصی نیست و پیامدهای سیاسی مهمی نیز در منطقه به‌دنبال دارد. در واقع شاه صفوی با انگیزه‌هایی چندگانه و مهم، سفر به مشهد را – آن هم به‌صورت پیاده – انجام می‌دهد؛ انگیزه‌ها و اهدافی که به برخی از آن‌ها در منابع تاریخی و اسناد اشاره شده است:

- نذر شخصی و اعتقادات مذهبی

شاه عباس از کودکی در خراسان رشد می‌یابد و آغاز سلطنتش نیز در مشهد است و سال ۹۹۵ قمری روی کوهسنگی تاج شاهی را بر سر می‌گذارد، بنابراین خود را مدیون امام رضا^(ع) می‌داند. او نذر می‌کند که اگر در مقابله با دشمنان و رفع خطر از کشور موفق شود، یک بار پای پیاده از اصفهان به زیارت حرم امام رضا^(ع) برود. این نذر سال ۱۰۱۰ قمری و پس از پیروزی بر ازبکان و بازپس‌گیری مشهد از آن‌ها عملی می‌شود. او پس از ورود به مشهد، بلافاصله به زیارت مضجع شریف امام رضا^(ع) مشرف می‌شود و سه ماه زمستان (رجب، شعبان و رمضان) را در حرم به طاعت و عبادت می‌گذراند؛ همچنین شب‌ها را تا سحر در حرم می‌ماند و همچون خادم حرم در کارهایی مانند جاروکنشی و روشن‌کردن شمع‌ها شرکت می‌کند.

- نمایش ارادت و ترویج فرهنگ زیارت

سفر پیاده شاه‌عباس، نمایشی از کمال اعتقاد و ارادت او به امام رضا^(ع) است و با تبلیغات گسترده، به الگویی برای مردم و درباریان تبدیل می‌شود. این اقدام موجب می‌شود سنت زیارت پیاده به مشهد در میان شیعیان ایران رواج بیشتری پیدا کند و توجه جامعه شیعه ایران از اماکن مقدسه خارج از کشور به مشهد معطوف شود.

- تقویت مشروعیت صفویان

شاه عباس با این سفر تلاش می‌کند مشروعیت سیاسی خود را در میان مردم و نخیشان شیعه افزایش دهد. او با تأکید بر پیوند دودمانی با خاندان اهل بیت^(ع) و انتساب به امام رضا^(ع)، وجهه‌ای مقدس برای سلطنت خود می‌سازد که در انسجام داخلی و کاهش مخالفت‌ها نقش مهمی دارد؛ ضمن اینکه این سفر، باعث افزایش نفوذ دینی و قدرت سیاسی حکومت صفوی در خراسان نیز می‌شود.

- تغییر کانون زیارت شیعیان ایران

در آن دوره، مکه و مدینه و همچنین کربلا و نجف در قلمرو دشمنان صفویان (عثمانی‌ها) قرار دارند و سفر حج و عتبات‌عالیات و زیارت این اماکن برای ایرانیان با دشواری‌های سیاسی و مالی بسیاری روبه‌روست. شاه‌عباس با برجسته‌سازی زیارت مشهد و سفر پیاده خود، تلاش می‌کند جایگاه مشهد را به‌عنوان قطب زیارتی شیعیان تقویت کند و توجه جامعه شیعه ایران را به این شهر معطوف کند، بدین ترتیب، جایگاه سیاسی و مذهبی مشهد را تقویت می‌کند و وابستگی مذهبی ایرانیان را هم به قلمرو عثمانی کاهش می‌دهد.

- اهداف سیاسی

اگرچه شاه ازبکان را در جنگ آخر مغلوب می‌سازد اما خراسان جولانگاه همیشگی ازبکان است، کما اینکه پیشروی آن‌ها در سال‌های اخیر، سقوط مشهد و غارت حرم امام رضا^(ع) را نیز به‌دنبال داشته است. شاه عباس در ابتدای سلطنت خود به‌دلیل بیماری و ضعف نظامی نمی‌تواند جلوی پیشروی ازبکان را بگیرد؛ از این جهت می‌داند که حضور آن‌ها در اطراف خراسان چقدر خطرناک است. او با تقویت نظامی و سیاسی جایگاه مشهد، پایگاهی استراتژیک در برابر تهدید ازبک‌ها در شرق ایران ایجاد و زمینه را برای تثبیت امنیت شرق ایران فراهم می‌کند؛ همچنین اقامت طولانی او در مشهد مقدمه‌ای است برای لشکرکشی بزرگ به قلمرو ازبک‌ها.

- توسعه و آبادانی مشهد

شاه عباس برای رسیدن به اهداف فوق، در این سفر و سفر بعدی خود (سال ۱۰۱۶ قمری)، اقدامات مهمی را برای آبادانی مشهد انجام می‌دهد. او با اجرای طرح توسعه صحن عتیق به دوبرابر مساحت قبلی، ساخت راهی دیگر به بقعه در قسمت پایین پا، ساخت حوض بزرگ مربع شکل در صحن و طلاکاری مجدد گنبد، حرم را گسترش می‌دهد و زمینه حضور زائران بیشتر را فراهم می‌آورد. علاوه بر این در دومین سفر شاه عباس بر مشکلات زیرساخت‌های شهری توجه می‌شود. او در گام اول با دستور به ایجاد نهر و انتقال آب چشمه‌گیلاس، یکی از مهم‌ترین مشکلات مشهد، یعنی کمبود آب را برطرف می‌کند. این آب از چشمه‌ای در حدود ۴۸ کیلومتری شمال غرب مشهد (چشمه‌گیلاس یا گل‌سب) به داخل شهر هدایت می‌شود و از میان خیابان‌های مشهد و حتی صحن عتیق حرم مطهر امام رضا^(ع) عبور می‌کند. با دستور شاه برای مدیریت این منابع آبی، تشکیلات اداری خاصی هم شکل می‌گیرد و میراب‌هایی به‌عنوان نگهبانان تقسیم آب منصوب می‌شوند. این اقدام باعث می‌شود آب آشامیدنی مورد نیاز زائران و ساکنان بهبود و کیفیت زندگی در شهر افزایش یابد؛ همچنین دو خیابان مهمی که به‌دستور او بین دروازه‌های شرقی و غربی مشهد ایجاد می‌شود، علاوه بر تسهیل رفت‌وآمد، گسترش فضای شهری و بهبود ساختار شهرسازی مشهد را به‌دنبال دارد.

در همین سفر دوم است که دستور بازسازی زیارتگاه‌های اطراف مشهد، مانند دق‌مگاه و خواجه ربیع صادر می‌شود تا هویت جمعی و فرهنگی شهر تقویت شود. مجموع اقدامات نه تنها باعث رونق، آبادانی و گسترش شهر می‌شود که زمینه را برای پذیرش بیشتر زائران نیز فراهم می‌آورد.

با افزایش تعداد زائران، واقفان نیز به سمت تأمین نیازهای آنان مانند تهیه غذا، کفش و پوستین سوق داده می‌شوند و ساخت حمام‌ها کاروان‌سراها و بازارهایز در مشهد بهبود می‌یابد تا خدمات بهتری به زائران ارائه شود. در نهایت نیز با افزایش موقوفات، حمایت مالی از حرم بیشتر می‌شود و سرمایه‌های داخلی را به جای خروج به عثمانی، به داخل کشور سوق می‌دهد که همین امر به رونق اقتصادی مشهد بیش از پیش کمک می‌کند.